

ارزیابی کیفیت زندگی در محله سیروس تهران

حسین حاتمی‌نژاد- دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

کرامت‌اله زیاری- استاد گروه جغرافیا، دانشگاه تهران

شهرام پارسا (پشاه‌آبادی)*- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

مهسا حاجی- کارشناس ارشد شهرسازی، دانشکده شهرسازی و معماری، دانشگاه هنر تهران

تأیید نهایی: ۱۳۹۶/۰۶/۲۱

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۷/۰۷

چکیده

هزاره سوم میلادی هزاره شهرنشینی است. این پدیده علی‌رغم دستاوردهای بزرگ برای بشر، مسائل و مشکلاتی از جمله افت شدید کیفیت زندگی را برای شهروندان به‌دنبال داشته است. کیفیت زندگی مقوله‌ای چندبعدی و پیچیده است و این مفهوم برای افراد و گروه‌های مختلف و متناسب با شرایط زمانی و مکانی، معانی متفاوتی دارد. در پژوهش توصیفی-تحلیلی حاضر، کیفیت زندگی ساکنان محله سیروس تهران بر مبنای سطح رضایتمندی آن‌ها از ۷ شاخص (حمل‌ونقل، امکانات و خدمات، واحد مسکونی، امنیت، هویت و تعلق خاطر، زیبایی، تنوع و خوانایی، کیفیت محیط زیست و آلودگی) و رضایت کلی آن‌ها از زندگی ارزیابی شد. برای نمونه‌گیری، ۵ درصد از خانوارها انتخاب شدند و جمع‌آوری داده‌ها با پرسشنامه و مصاحبه صورت گرفت. تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از آنالیز واریانس و آزمون t تک‌نمونه‌ای صورت گرفت. براساس نتایج این پژوهش، هرچند کیفیت زندگی در این محله، متوسط به پایین (۲/۹۷)، و رضایت ساکنان از کیفیت زندگی پایین‌تر از حد متوسط است، میزان رضایتمندی آن‌ها از عناصر اصلی سازنده کیفیت زندگی شهری در محدوده مورد مطالعه و زیرمعیارهای آن (زیست‌محیطی، اجتماعی-روانی و کالبدی) نتایج متفاوتی را به‌دنبال دارد؛ به‌طوری‌که کمترین میزان رضایت (بیشترین آزرده‌گی) علی‌رغم اجرای پروژه‌های نوسازی در محله سیروس، به شاخص‌های هویت و تعلق خاطر (روانی-اجتماعی) با میانگین ۲/۶۴ (پایین‌تر از حد میانگین) مربوط است. در این میان، تأکید صرف به اهداف کالبدی و بی‌توجهی به اهداف اجتماعی در قالب پروژه نوسازی (ناشی از رویکرد سنتی برنامه‌ریزی) چهره کنونی حقایق جاری را نمایان کرد. به‌علاوه در میزان رضایتمندی یا آزرده‌گی ساکنان، مدت اقامت، سن و نوع شغل تأثیرگذار بود.

واژه‌های کلیدی: رضایتمندی، کیفیت زندگی، کیفیت محیط، محله سیروس.

مقدمه

هزاره سوم میلادی هزاره شهرنشینی است؛ زیرا برای نخستین بار، جمعیت شهری دنیا از ۵۰ درصد بیشتر شد. سهم عمده این افزایش جمعیت متعلق به کشورهای درحال توسعه است. اندازه و سرعت شهرنشینی شتابان معاصر به حدی است که از آن به عنوان موج دوم شهرنشینی یاد می‌شود؛ بنابراین، روند شهری شدن زود هنگام جهان، واقعیتی گریزناپذیر است. در این میان، شهرنشینی علی‌رغم دستاوردهای بزرگ برای بشر، مسائل و مشکلاتی را به همراه داشته که با وجود پیشرفت‌های عظیم علمی و فنی، حل بسیاری از آن‌ها با ناکامی همراه بوده است؛ به طوری که شهرنشینی شتابان، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، افت شدید کیفیت زندگی شهروندان را به دنبال داشته و گریبانگیر حکومت‌های ملی، محلی و مدیریت شهری شده است. با توجه به روند این نوع شهرنشینی و مسئله شهری شدن جهان کیفیت زندگی در نقاط شهری به موضوعی محوری برای برنامه‌ریزان و مدیران شهری تبدیل شده است. اهمیت این موضوع با توجه به روند افزایشی شهرنشینی در کشور (۷۲ درصد جمعیت شهرنشین در سال ۱۳۹۰) دوچندان است؛ به طوری که مرور آمارهای مربوط به سرشماری در دوره‌های گذشته صحت این مدعا را تأیید می‌کند. شهرنشینی شتابان معاصر ایران و هم‌خوانی نداشتن و ناهماهنگی میزان جمعیت شهرها با زیرساخت‌ها و خدمات مورد نیاز، از عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در یک قرن اخیر تأثیر پذیرفته است. این مسئله در پیوند با شرایط جهان سرمایه‌داری، نه تنها به افت شدید کیفیت زندگی در شهرها و پاسخ‌ندادن به بسیاری از نیازهای اساسی انسان دامن زده، بلکه سبب شده است بسیاری از شهرها به شکلی روزافزون از پایداری دور شوند. همچنین تأمین نکردن شرایط مطلوب و انسانی برای نسل حاضر، توان‌های نسل آینده را نیز به خطر انداخته است. این مسئله در سطح محلات به خصوص بخش قدیمی شهرها بیشتر خودنمایی می‌کند.

رویکرد ارتقای کیفیت زندگی، به‌ویژه در سطح محله‌ها به دنبال توسعه شتابان شهرنشینی و به تبع آن بروز مسائل و مشکلات حاد شهرنشینی صورت گرفت و به عنوان رهیافتی، جویای دستیابی به هدف حیات مطلوب شهری در نظر گرفته شد. در واقع، کیفیت زندگی واکنشی علیه توسعه تک‌بعدی اقتصادی در سطح ملی و توسعه صرفاً کالبدی در مناطق شهری و محلی است و تلاشی برای دستیابی به معیارهای کیفی در عرصه برنامه‌ریزی شهری به شمار می‌آید (رفیعیان و مولودی، ۱۳۹۰: ۲۷۸). در چند دهه گذشته، این نگرش تقویت شده است که شهرها مرکز توسعه‌اند و رشد اقتصادی و نوسازی اقتصادی-اجتماعی را افزایش می‌دهند. همچنین تأکید بر کیفیت زندگی، کاهش فقر و پایداری محیطی اهمیت یافته است. هم‌سو با تحولات بین‌المللی متأثر از انگاره‌های جهانی، تغییر و تحولاتی در نگرش‌ها و سیاست‌های مسئولان و مدیران شهری در ایران در حال وقوع است. همچنین توجه به آرا و نظرات ساکنان در چند سال اخیر، چرخشی چشمگیر از وظایف سنتی نهادهای بخشی متولی شهر محسوب می‌شود.

با توجه به بررسی‌ها، تاکنون هرگونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح کیفیت محیط و زندگی در سطح محلات و شهر، از بالا به پایین و مبتنی بر نظرات کارشناسان بوده است. به عبارت دیگر، کارشناسان (به صورت بخشی) شاخص‌های کیفیت محیط و زندگی، ارزشیابی مکان‌ها و تصمیمات ناشی از این ارزشیابی‌ها را مشخص کرده‌اند. با توجه به اینکه مطالعات در سطح جهانی، بیانگر ضریب هم‌بستگی پایین میان ارزشیابی کارشناسان و ساکنان در این باره است، محله سیروس تهران (محله ۱۷ در منطقه ۱۲ شهرداری تهران) از این قاعده مستثنا نیست و در آن کمتر به نگرش ساکنان توجه شده است. این محله در تهران قدیم که در آن روزگار چاله‌میدان خوانده می‌شد، یکی از پنج محله اصلی شکل‌دهنده شهر بود که در مقایسه با چهار محله دیگر (ارگ، عودلاجان، سنگلج و بازار) جمعیت و واحدهای مسکونی بیشتری را در خود جای داده بود و محل سکونت اقشار متوسط جامعه محسوب می‌شد. امروزه این محله با جمعیت ۷۱۷۵ نفر در سال ۱۳۸۵ و مساحتی بالغ بر ۴۰ هکتار، با مسائل و مشکلاتی روبه‌روست که سبب افت کیفیت زندگی و به تبع آن نارضایتی ساکنان شده است.

ارتقای کیفیت زندگی با توجه به نظرات و آرای ساکنان، نتایج بهتری را پیش‌روی مدیران و سیاست‌گذاران شهری قرار می‌دهد. در این میان، توجه به عدالت اجتماعی، تعادل‌های منطقه‌ای و برنامه‌ریزی در سطح ملی برای توزیع بهتر تمرکز جمعیت و فعالیت و شهرنشینی شتابان، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، اما در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، پرداختن به سطوح خرد و عملیاتی در سطح محلات، برای دستیابی به شهری پویا، پایدار و مطلوب و شایستهٔ زندگی انسان از راه پذیرش واقعیت‌ها، مانع از روند افزایش افت کیفیت زندگی خواهد شد؛ بنابراین، ارزیابی کیفیت زندگی در سطح محلات سبب می‌شود تصمیم‌گیران و مدیران شهری، دیدی جامع از مشکلات به‌دست آورند، از راه‌حل‌های ممکن آگاه باشند و بتوانند آثار طولانی‌مدت تصمیمات کنونی خود را درک کنند؛ از این‌رو فهم و درک مفهوم کیفیت زندگی و شناخت عناصر و اجزای آن، همچنین تعیین رویکردها و روش‌های سنجش کیفیت زندگی بسیار ضروری است و یکی از اهداف اولیه و بنیادی برنامه‌ریزی شهری به‌شمار می‌آید. موضوع این پژوهش ارزیابی کیفیت زندگی در محیط مسکونی شهری است. اهمیت این محیط‌ها، به‌عنوان سکونتگاه‌های اصلی مردم روزبه‌روز در حال افزایش است؛ زیرا مردم با انواع مخاطرات محیطی (آلودگی هوا و صدا، شلوغی، ازدحام و...) مواجه می‌شوند؛ به‌طوری‌که محیطی بد پیامدهای منفی بر احساس عمومی مردم خواهد گذاشت. به همین دلیل ارتقای کیفیت زندگی در محیط‌های مسکونی شهری، اهمیتی حیاتی دارد. هرچند محیط‌های مسکونی تنها ابزار مهم برای سنجش کیفیت زندگی و توسعهٔ دیگر ابعاد مهم زندگی نیست، امروزه شهرها به سکونتگاه‌های اصلی انسان‌ها تبدیل شده‌اند. تأثیر شرایط بد محیط بر سلامتی انسان‌ها، بسیار زیاد است و آزرده‌گی تا مرگ را دربرمی‌گیرد؛ بنابراین، سنجش و ارزیابی کیفیت محیط، نخستین گام در مدیریت کیفیت نواحی سکونت شهری است.

به‌طورکلی رضایت از زندگی به عواملی مانند رضایت ساکنان از شاخص‌های محله، واحد مسکونی و اجتماع محلی بستگی دارد. این پژوهش به‌دنبال ارزیابی کیفیت زندگی شهروندان در محلهٔ سیروس تهران است. در این میان با تبیین علمی، تأثیر انواع شاخص‌های زیست‌محیطی (سروصدا، آلودگی و...)، شاخص‌های روانی-اجتماعی و شاخص‌های کالبدی (خدمات و تسهیلات و...) از نظر ساکنان در سه سطح محله، واحد مسکونی و شهر بررسی شد و توصیهٔ لازم برای ارتقای کیفیت زندگی بر مبنای نظرات ساکنان و بررسی‌های کارشناسی صورت گرفت. در ادامه پرسش‌های اصلی پژوهش بیان شده است:

۱. ارزیابی ساکنان از کیفیت زندگی (میزان رضایتمندی و آزرده‌گی) در محلهٔ سیروس چگونه است؟
۲. عوامل مؤثر بر میزان رضایتمندی و آزرده‌گی ساکنان از کیفیت زندگی در محلهٔ سیروس کدام‌اند؟
۳. آیا ویژگی‌های متفاوت خانوارها در ارزیابی ساکنان از کیفیت زندگی تأثیرگذار است؟

در پاسخ به این پرسش‌ها، فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود:

۱. به‌نظر می‌رسد میان کیفیت خدمات محیط شهری (شاخص‌های سازندهٔ کیفیت زندگی) و میزان رضایتمندی یا نارضایتی خانوارها از زندگی رابطهٔ معناداری وجود دارد.
۲. به‌نظر می‌رسد ارزیابی خانوارها از کیفیت زندگی، تنها به شاخص‌های زیست‌محیطی و کالبدی بستگی ندارد، بلکه به سایر شاخص‌های روانی-اجتماعی وابسته است.
۳. به نظر می‌رسد برخی ویژگی‌های فردی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانوارها، بر کیفیت محیط ادراکی مؤثرند و به‌طور معناداری بر میزان رضایتمندی و نارضایتی ساکنان تأثیرگذارند.

مبانی نظری

بررسی تحولات و سیر تاریخی تفکر در مورد کیفیت زندگی، بدون در نظر گرفتن موضوع استاندارد زندگی امری غلط

محسوب می‌شود؛ زیرا کیفیت زندگی، در ادامه سیر تحولات تفکر در مورد استاندارد زندگی قرار دارد. در اوایل قرن بیستم میلادی و در پی شروع جنبش نوگرایی، اصلاح‌طلبان اجتماعی حفظ «استاندارد زندگی» را مطرح کردند. این جنبش به دنبال بروز مشکلات عدیده‌ای به وجود آمد که طی قرن نوزدهم میلادی و شروع صنعتی شدن برای شهروندان ایجاد شده بود. استاندارد زندگی مشکلات مختلفی از جمله تأمین مسکن مناسب، پاک‌سازی شهرها، رسیدگی به وضعیت کارگران و به‌طور کلی نیازهای اولیه جمعیت را در برمی‌گرفت. همچنین نماد پیشرفت در دوران نوگرایی و پاسخ به نیازهای متناسب با آن بود و تبلور عینی ساختن اندیشه‌ها و متعارف کردن فرد را امکان‌پذیر می‌کرد. به دنبال پیروزی اصلاح‌طلبان در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ میلادی و پس از جنگ دوم جهانی در کشورهای صنعتی اروپای غربی، تفکر حکومت رفاه^۱ زنده شد. همچنین دولت‌هایی به قدرت رسیدند که سطح معینی از رفاه را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دادند و با اتکا به اعداد معینی برای هر یک از شاخص‌های استاندارد در جهت حفظ آن تلاش کردند (فیشلر، ۱۳۸۱: ۱۷-۲۵). تا این دوران بیشتر به شاخص‌های عینی در ارزیابی کیفیت زندگی توجه می‌شد و بیشتر کارشناس‌محور بود.

توجه به سایر نیازهای انسان مانند عزت‌نفس، آموزش، معاشرت‌های اجتماعی، زیبایی‌شناسی و... همراه با رشد سریع اقتصادی و توجه به جنبه‌های کیفی محیط‌زیست، سبب شد اصلاح‌طلبان طی دوره‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی به تدریج مفهوم «کیفیت زندگی» را جایگزین «استاندارد زندگی» کنند. از جمله عوامل مؤثر در این تغییر رویکرد در دهه ۱۹۶۰ میلادی، به‌ویژه در اروپا مخالفت با توسعه شهرها و توجه به حفظ نواحی تاریخی، احیای نواحی فرسوده، تأکید بر قابلیت‌های سکونت و ویژگی‌های کیفی آن (به‌جای ویژگی‌های کمی)، تلاش برای تعریف رفاه جدا از شاخص‌های پولی و توجه به چندگانگی خواسته‌ها بود (اسمیت^۲، ۱۹۹۴: ۶۹-۷۶).

تغییر از «استاندارد» به «کیفیت» بیانگر این واقعیت است که در دهه ۱۹۶۰ میلادی، شرایط مادی زندگی در کشورهای صنعتی بهتر شده بود؛ به طوری که سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان می‌توانستند خواسته‌های مالی را در کار سیاست‌گذاری مدنظر قرار دهند.

استاندارد زندگی که در آغاز سده بیستم میلادی به‌عنوان سنتزی از احتیاجات اساسی ابداع شد، به سرعت به هنجار عمومی پیشرفت اجتماعی تغییر کرد. در ادامه این روند، کیفیت زندگی به بیان ملاحظات اجتماعی و زیست‌محیطی پرداخت و به سرعت به ابزار بازاریابی در عرصه اقتصاد جهانی تبدیل شد. همچنین فرض می‌شد که جنبش کیفیت زندگی می‌تواند به ترویج توسعه پایدار کمک کند و حساسیت‌ها را به ظرفیت مسکونی زمین^۳ و ظرفیت تحمل نوع بشر^۴ افزایش دهد. باید توجه داشت که کیفیت زندگی نماد پاسخ به نیاز پسانوگرایی^۵ و به دنبال هنجار مشترکی برای مقابله با نابرابری‌هاست.

در طول دهه ۱۹۷۰ میلادی، مطالعات و مشاهدات متعددی در زمینه کیفیت زندگی صورت گرفت. در این زمان، دو گرایش عمده بین پژوهشگران وجود داشت؛ عده‌ای با تکیه بر علوم اجتماعی و شاخص‌های جمعی، موضوع کیفیت زندگی را پیگیری می‌کردند و عده‌ای با تکیه بر شاخص‌های فردی، سعی داشتند مطالعات خود را تکمیل کنند (مایرز و دوئل^۶، ۱۹۸۷: ۱۰۸-۱۲۴).

مطالعاتی که در نخستین پژوهش‌ها در زمینه رتبه‌بندی شهرها بر مبنای شاخص‌های کیفیت زندگی صورت گرفت، انگیزه‌های استفاده از کیفیت زندگی را در سطح جوامع مختلف گسترش داد. طی دهه ۱۹۸۰ میلادی، مطالعات کیفیت

1. Welfare State
2. Smith
3. Carrying Capacity of the earth
4. Carrying Capacity of Human Kind
5. Post Modernism
6. Mayers, Duwell

زندگی برای رتبه‌بندی شهرها و مقایسه آن‌ها ادامه پیدا کرد. نخستین بار دولت بریتانیا با در نظر گرفتن معیارهایی مانند بهداشت، آموزش و اشتغال (با استفاده از جداول آماری مختلف) شهرها را رتبه‌بندی کرد. پس از آن، در ایالات متحده آمریکا اقداماتی برای تهیه گزارش رتبه‌بندی سالانه شهرها انجام شد. سپس توجه به مفهوم کیفیت زندگی در تمام عرصه‌های جغرافیایی، اجتماعی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری افزایش یافت.

نخستین مقایسه بین‌المللی کیفیت زندگی، در سال ۱۹۹۰ میلادی در کمیته بحران جمعیت وابسته به سازمان ملل متحد انجام شد. در دهه ۱۹۸۰ میلادی، علاوه بر رتبه‌بندی شهرها با استفاده از شاخص‌های کیفیت زندگی، مطالعات ترتیب شاخص‌های مختلف و استفاده از شاخص‌های اقتصادی در کیفیت زندگی انجام شد. در همین زمان، سازمان بهداشت جهانی برنامه جوامع سالم^۱ را تدوین کرد. در این برنامه دولت‌ها برای ارتقای شرایط زندگی در سطح محلی تلاش می‌کردند و زمینه‌های توسعه شاخص‌های کیفیت زندگی را در سطح جامعه بین‌الملل فراهم آوردند.

در دهه ۱۹۹۰ میلادی، مطالعات کیفیت زندگی به سوی رقابت شهرها متمایل شد. این تغییر تمایل و سیاست‌گذاری، به دنبال انتقاد بر رتبه‌بندی شهرها به وجود آمد. منتقدان خواستار استفاده مؤثر از مفهوم کیفیت زندگی در برنامه‌های توسعه و بهبود واقعی شرایط زندگی شدند. آن‌ها معتقد بودند این روش بیشتر بر پایه شاخص‌های هزینه زندگی استوار شده و به کیفیت زندگی به طور واقعی توجه نشده است. به دنبال بحث کیفیت زندگی و رونق مباحثی مانند اقتصاد جهانی، جهانی‌شدن و تقویت اقتصادهای کوچک و محلی برای ورود به این رقابت‌ها، بحث رقابت شهرها به وجود آمد؛ یعنی شهرها برای کسب موقعیت بهتر در اقتصاد جهانی، به ارتقای کیفیت مکانی و کیفیت زندگی نیازمند بودند.

نخستین مطالعات و پژوهش‌ها درباره کیفیت زندگی در رقابت شهرها، در سال ۱۹۹۰ در انگلستان صورت گرفت و در آن‌ها به آثار کیفیت زندگی در انتخاب محل زندگی ساکنان و جذب سرمایه‌های خارجی پرداخته شد. پس از این، به سرعت مطالعاتی در زمینه رقابت شهرها و کیفیت زندگی در سطح اتحادیه اروپا- ایالات متحده و کانادا صورت گرفت. در سطح جامعه بین‌المللی، برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) طرح مطالعاتی شاخص‌های توسعه انسانی (HDI) را در طول دهه ۱۹۹۰ میلادی و پس از تکمیل برنامه‌های بهداشتی مطرح کرد و هر سال گزارش مربوط به میزان توسعه این شاخص‌ها را در سطح کشورهای مختلف ارائه داد.

سیر تحول مفهوم کیفیت زندگی، بر نحوه نگرش به گستردگی و موضوع‌های مرتبط با این مفهوم، تأثیر زیادی داشته است. بر این اساس می‌توان مطالعات مربوط به کیفیت زندگی را به ۳ گروه تقسیم کرد:

- در گروه اول تنها به موضوعات محیطی پرداخته شد و موضوعات مربوط به زندگی شخصی بررسی نشد. این گروه بر جدا کردن مفهوم استاندارد زندگی از کیفیت زندگی اعتقاد داشتند
- گروه دوم مطالعات در دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ میلادی صورت گرفت که در آن‌ها علاوه بر موضوعات زیست‌محیطی و پیرامونی، به مشکلات جمعیتی و اجتماعی شهروندان توجه شد.
- گروه سوم (مربوط به دهه‌های ۱۹۹۰ و پس از آن) مطالعاتی است که در آن‌ها به رضایتمندی شهروندان و ارتقای رفاه واقعی برای آنان توجه شد. تا پیش از این مرحله، نقش اصلی مفهوم کیفیت زندگی بر عهده محیط‌زیست و معیارهای اقتصادی و اجتماعی بود، اما پس از آن نیازهای درون انسان نقش پررنگ‌تری پیدا کرد و اساس مطالعات کیفیت زندگی، بر توجه به رضایت شهروندان و آسایش آن‌ها در محیط پیرامون خودشان استوار شد. پس از دهه ۱۹۹۰ میلادی، آنچه در مبحث کیفیت زندگی مطرح شد، ارتقای سطح کیفیت زندگی برای دستیابی بهتر در چرخه رقابت اقتصادی بود. اقتصاد نوین به سرمایه‌های انسانی و فناورانه نیاز داشت و شرط دستیابی به آن

بهبود کیفیت زندگی در سطح شهرها بود. در سده ۲۱ میلادی، مفهوم رقابت تغییر کرد و از رقابت اقتصادی به سوی رقابت شهرها و مناطق شهری متمایل شد (مرادی، ۱۳۸۵: ۱۷-۲۲).

پس از آن، سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل، بانک جهانی، اتحادیه اروپا و... به مطالعات کیفیت زندگی پرداختند. در این مطالعات با مراجعه به آرای مردم، عواملی مانند اهداف ارتقای کیفیت زندگی، ایجاد جامعه بانشاط، سالم، دارای وفاق اجتماعی و محیط‌زیست پایدار عنوان شد. به‌طور کلی سه رویکرد عمده به کیفیت زندگی قابل‌شناسایی است:

۱. رویکرد اول (عینی) بر بهزیستی شخصی افراد و ارتقای استانداردهای زندگی تأکید می‌کند و برای مقایسه کیفیت یا زیست‌پذیری مکان‌ها کاربرد دارد (میثم^۱، ۲۰۰۲). در این رویکرد، ارزیابی کیفیت زندگی در سطح ملی و بین‌المللی با آمارهای رسمی صورت گرفت. درحقیقت شهر با آن چیزی بیان می‌شود که مردم در آن کار و زندگی می‌کنند و در ارتباط هستند (پاسیون، ۲۰۰۳).

۲. در رویکرد دوم (ذهنی) کیفیت زندگی به شرایط افراد مربوط است. شاخص‌های ذهنی شیوه‌ای را بیان می‌کند که در آن مردم شرایط اطراف خودشان را درک و ارزیابی می‌کنند (پاسیون، ۲۰۰۳).

۳. در سومین رویکرد (ترکیبی) بیان می‌شود که اندازه‌گیری کیفیت زندگی با دو شاخص عینی و ذهنی صورت می‌گیرد. جنبه ذهنی به افراد کمک می‌کند تا تعریفی از هویت، آرمان‌ها و جهت‌یابی زندگی‌شان ارائه کنند. این جنبه زمانی ارزش دارد که با شرایط عینی زندگی همراه شود (واین^۲، ۲۰۰۸: ۷۶).

با توجه به آنچه بیان شد، شاخص‌های ذهنی و عینی به تحلیلی به‌هم‌پیوسته نیاز دارند و فهم آن‌ها تنها با رویکرد ترکیبی تحلیل زندگی صورت می‌گیرد. رویکرد مورد تأکید این پژوهش ترکیبی است که در آن شهر در بستر خودش و در ذهن استفاده‌کنندگان از فضا بررسی می‌شود (پاسیون، ۲۰۰۳: ۲۰).

تاکنون مدل‌های متفاوتی برای ارزیابی کیفیت زندگی ارائه شده است. از جمله مدل کاربردی لی در تاییه (تایوان) که پنج متغیر خدمات شهری، رضایت از واحد همسایگی، ویژگی‌های اجتماعی، ارزیابی محیطی واحد همسایگی و حس تعلق به محله را بر کیفیت زندگی در تاییه مؤثر دانست و نتیجه گرفت ویژگی‌های اجتماعی و حس تعلق به محله در این شهر، مهم‌تر از دیگر مؤلفه‌ها در کیفیت زندگی ساکنان است (فتحعلیان، ۱۳۹۰: ۳۸). در جدول ۱، نتایج برخی مدل‌های مفهومی، تجربی و طرح‌هایی که به مطالعه کیفیت زندگی پرداخته‌اند آمده است.

جدول ۱. مطالعه تطبیقی مدل‌ها و تجربیات کیفیت زندگی

پژوهشگر	مدل	محل آزمون	قلمروهای بررسی کیفیت زندگی	روش
مؤسسه بین‌المللی بهداشت عمومی محیط	مفهومی	-	- مسکن - ویژگی‌های فضایی - کیفیت محیط - ویژگی‌های شخصی - مقیاس زندگی - کیفیت اجتماعی	در این مدل، مفهوم لایه‌ای بودن کیفیت زندگی به تصویر کشیده شده است. کیفیت زندگی از محیط و سلامت (لایه‌های اولیه) و محیط فیزیکی و اجتماعی (لایه‌های اجرایی) تشکیل شده است.
رضوانی و منصوریان	مفهومی	-	- بهزیستی ذهنی نیازهای انسانی - بهزیستی ذهنی نیازهای اساسی - بهزیستی ذهنی نیازهای بهزیستی - بهزیستی ذهنی نیازهای فراغت	در این مدل، کیفیت زندگی یعنی رضایتمندی از نیازها و بهزیستی افراد. بهزیستی مؤثر بر هنجارهای اجتماعی در این مدل، به‌طور مستقیم بر نیازهای انسان تأثیر می‌گذارد.

ادامه جدول ۱. مطالعه تطبیقی مدل‌ها و تجربیات کیفیت زندگی

پژوهشگر	مدل	محل آزمون	قلمروهای بررسی کیفیت زندگی	روشن
ون کمپ	مفهومی	-	- ویژگی‌های شخصی-امنیت - مقیاس زندگی- فرهنگ - منابع طبیعی- جامعه - محیط طبیعت- سلامت - محیط ساختگی- اقتصاد - قابلیت دسترسی- خدمات	ون کمپ نشان می‌دهد کیفیت زندگی طیفی از رابطه انسان و محیط و جنبه‌های مؤثر بر آن است. از دیدگاه وی، عوامل بی‌شماری می‌تواند در این طیف قرار بگیرد که بر کیفیت زندگی مؤثر باشد.
میشل	مفهومی	-	- محیط فیزیکی - سلامت - امنیت - پیشرفت در زندگی فردی - پیشرفت در زندگی اجتماعی - منابع طبیعی، کالا و خدمات	میشل با کمک شش مؤلفه به بیان کیفیت زندگی پرداخت.
فسلی و دیگران	تجربی	شهر سلمیه/ قطر	- عوامل فیزیکی - عوامل عملکردی - عوامل اجتماعی - استانداردهای زندگی - شرایط اقتصادی - خوشحالی و آزادی - محیط‌زیست و دسترسی به کالا	با در نظر گرفتن مؤلفه‌ها و ۱۸ شاخص در سه بازه راضی، متوسط و ضعیف در سلمیه قطر که عمدتاً بر پایه مشاهدات کیفی پژوهشگران قرار داشت، اطلاعات دریافت شد. در نهایت با توجه به درصد پاسخ‌ها نتیجه‌گیری صورت گرفت.
لی	تجربی	شهر تایپه/ تایوان	- خدمات شهری - رضایتمندی از زندگی - ویژگی‌های جامعه - ارزیابی محیطی واحد همسایگی - وابستگی محلی	لی با استفاده از پرسشنامه درباره ۲۱ شاخص، اطلاعات خود را در تایپه جمع‌آوری کرد و با کمک معادلات ساختاری نشان داد هر مؤلفه چند درصد از واریانس کل کیفیت زندگی را نشان می‌دهد.
فی و سیناید	تجربی	شهر گالوی/ ایرلند	- حمل‌ونقل - اندازه شهر و هویت اجتماعی - تسهیلات - برنامه‌ریزی و توسعه - محیط‌زیست - اقتصاد - ملاحظات اجتماعی	فی و سیناید به‌خوبی نشان دادند که می‌توان چارچوب کیفیت زندگی را با مشارکت مردمی و اطلاعات پایه برای هر پژوهش تعریف کرد. این دو با متناقض دانستن بعضی اصول پایداری با جنبه‌های ارتقای کیفیت زندگی، مرحله‌ای را در نظر گرفتند که در آن تنها شاخص‌هایی در ارزیابی وارد شد که با اصول توسعه پایدار متناقض نبود. در ادامه وضعیت شاخص‌های مربوط به‌صورت کیفی منفی، مثبت و خنثی مشخص شد.
وستوی	تجربی	دورنکاپ/ آفریقای جنوبی	- کیفیت زندگی محیطی - کیفیت زندگی شخصی	در این طرح، برای ارزیابی برنامه مسکن از مطالعه کیفیت زندگی استفاده شد. بر این اساس، ۸ شاخص در حوزه کیفیت زندگی شخصی، و ۱۰ شاخص در حوزه کیفیت زندگی محیطی تعیین شد. در نتیجه حوزه کیفیت زندگی محیطی در مطالعه کیفیت زندگی مؤثرتر بود.
وینپیگ	تجربی	وینپیگ/ کانادا	- محیط شهری - اقتصاد شهری - سرمایه اجتماعی - ویژگی‌های فردی - غرور و حاکمیت اجتماعی	بر اساس مطالعه وینپیگ می‌توان از شاخص‌های کیفیت زندگی برای ارزیابی طرح‌ها استفاده کرد. در این طرح، مطالعه کیفیت زندگی کاری تیمی است و نحوه مشارکت ذی‌نفعان در تهیه چارچوب مطالعه به‌خوبی دیده می‌شود.

جدول ۲. مقایسه تعاریف کیفیت زندگی

پژوهشگر	تعریف	منبع
سازمان بهداشت جهانی کیفیت زندگی فرد در آن زندگی می‌کند و در ارتباط با اهداف، انتظارات استانداردها و وابستگی‌هایش است. (۱۹۹۳)	درک فردی از موقعیت زندگی در زمینه‌ای از فرهنگ و سیستم‌های ارزشی جامعه که نجات و دیگران، ۱۳۸۵	
کمپبل (۱۹۷۶)	کیفیت زندگی بعدی از کیفیت است که به‌سوی آنچه ارزش و مطلوبیت فردی دارد، کمپبل و دیگران، ۲۰۰۳: ۲ حرکت می‌کند.	
گوردون (۱۹۹۲)	کیفیت زندگی احساسی خوب، و حاصل ترکیب عوامل مرتبط با حس مکان یا هویت کوکبی، ۱۳۸۴: ۱۲ آن از قبیل خوانایی، خاطره جمعی و حس تعلق تاریخی است.	
لئو (۲۰۰۲)	کیفیت زندگی نامی برجسته برای مفهوم قدیمی بهزیستی مادی و روانی مردم در رضوانی و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۹ محیطی که در آن زندگی می‌کنند، و رفاه عمومی است.	
پاسیون ^۱ (۲۰۰۳)	کیفیت زندگی می‌تواند در زمینه ویژه‌ای از محیط، به‌عنوان درجه‌ای از تجانس یا پاسیون، ۲۰۰۳: ۳۴ ناهماهنگی میان ساکنان شهر و محیط شهری احاطه‌کننده مجاور تفسیر شود.	
یوزل (۲۰۰۴)	کیفیت زندگی مفهومی چندوجهی، نسبی و متأثر از زمان و ارزش‌های فردی و یزیل، ۲۰۰۴ اجتماعی است که ابعاد عینی و درونی دارد.	
ایلی و منون (۲۰۰۷)	کیفیت زندگی مفهوم گسترده‌ای با معانی گوناگون برای افراد و گروه‌های مختلف ایلی و مینون، ۲۰۰۷: ۲۸۱ است. برخی آن را قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، بعضی سنجش برای میزان جذابیت و برخی نیز آن را رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و... تفسیر کردند.	
سahین و دیگران (۲۰۰۷)	کیفیت زندگی یعنی بهزیستی عموم مردم و کیفیت محیطی که در آن زندگی می‌کنند. ساهین و دیگران، ۲۰۰۷	
وینه ^۲ (۲۰۰۸)	وینه به ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی اشاره می‌کند و معتقد است افراد با کمک واین، ۲۰۰۸: ۷۶ جنبه ذهنی، تعریفی از هویت، آرمان‌ها و جهت‌یابی زندگی‌شان بیان می‌کنند. این جنبه زمانی با ارزش است که با شرایط عینی زندگی همراه شود.	

منبع: محفوظیان، ۱۳۹۱: ۱۱؛ فتحعلیان، ۱۳۹۰: ۲۲

جدول ۲، نشان‌دهنده گوناگونی تعاریف کیفیت زندگی است که پژوهشگران بر مبنای شاخص‌های مورد استفاده تعریف کرده‌اند. همچنین بر دوبردی بودن کیفیت عینی و ذهنی تأکید شده است. بعد عینی کیفیت زندگی با عناوینی مانند واقعیت بیرونی، اطلاعات و شرایط محیطی موجود، و بعد ذهنی آن با عناوینی از جمله درک، ارزیابی و ارزش‌های فردی و اجتماعی مطرح شده است (فتحعلیان، ۱۳۹۰: ۲۳). از آنجا که این پژوهشگران به دنبال ارزیابی کیفیت زندگی شهری بر مبنای رابطه انسان-محیط (تا جایی که مؤثر بر کیفیت زندگی است) هستند، تعاریف یوزل و پاسیون در این باره (برای این کیفیت) مناسب‌تر به نظر می‌رسد؛ بنابراین، در این پژوهش «کیفیت زندگی»، مفهومی چندوجهی، نسبی و متأثر از زمان و ارزش‌های فردی و اجتماعی، و دارای ابعاد عینی و درونی است. همچنین می‌توان آن را در زمینه ویژه‌ای از محیط ساخته شده به‌عنوان درجه‌ای از تجانس یا هماهنگی میان ساکنان محیط شهر احاطه‌کننده تفسیر کرد» (پاسیون^۳، ۲۰۰۳: یزل^۴، ۲۰۰۶). براساس بررسی و مرور تجارب جهانی، پژوهشگران مختلف برای سنجش و ارزیابی کیفیت زندگی از مدل‌ها، چارچوب و روش‌شناسی گوناگونی استفاده کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که شاید بتوان گفت توافق و اجماع عمومی در مورد روش‌شناسی واحد برای تعیین قلمروها و شاخص‌بندی رضایتمندی از کیفیت زندگی وجود ندارد. همچنین انتخاب روش‌ها براساس اهداف مطالعات، مقیاس، درجه شخصی بودن شاخص‌ها، روابط علی و سببی مؤلفه‌ها، شاخص‌های متفاوت، تنوع در زمان و مکان و اهمیت نسبی در محیط‌های مختلف متفاوت است و هنوز تعریف پذیرفته‌ای برای این

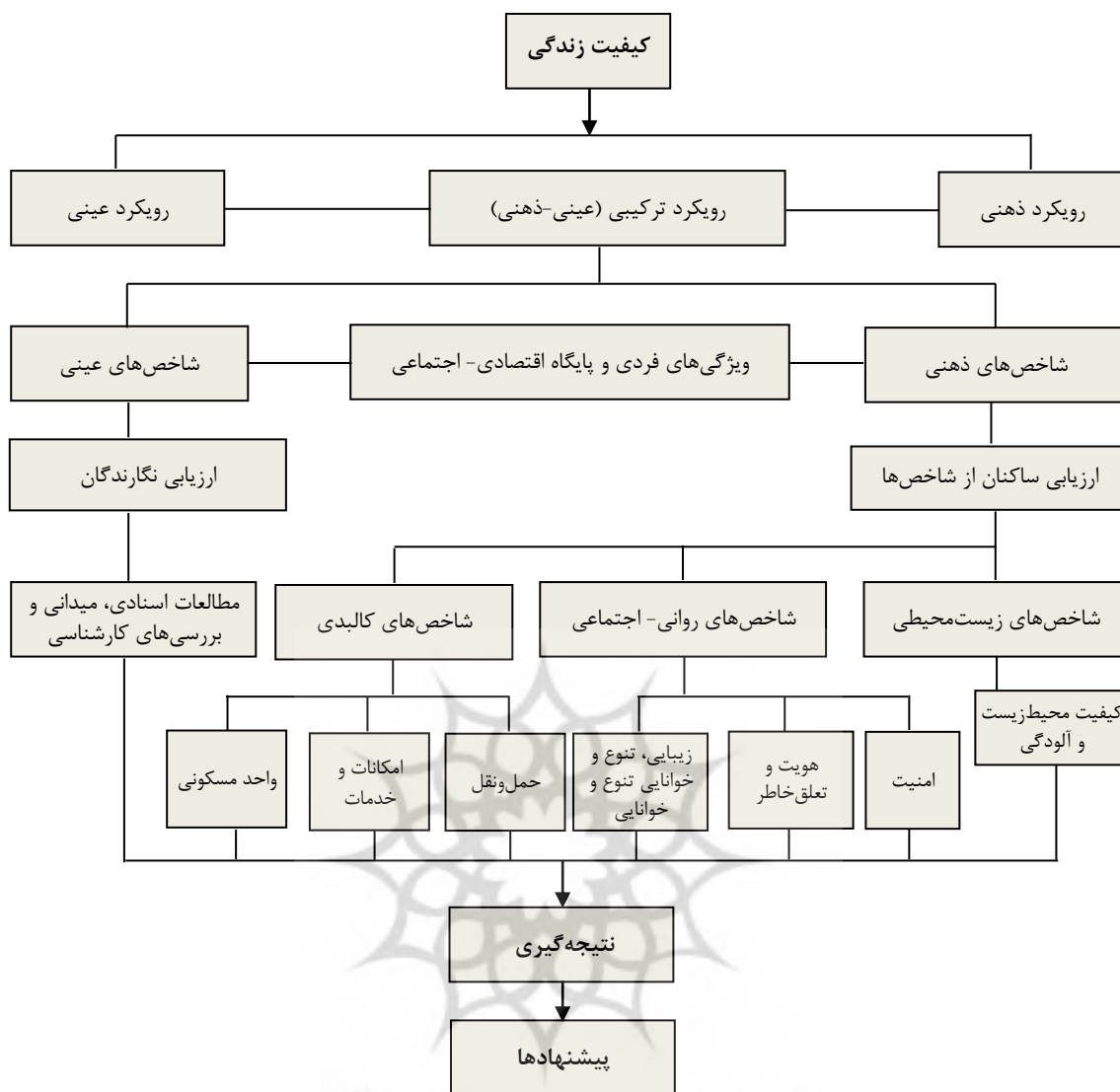
1. Pacione
 2. Viene
 3. Pacione
 4. Uzel

مفهوم وجود ندارد؛ زیرا از دیدگاه بسیاری از پژوهشگران، کیفیت زندگی، مفهومی چندوجهی، نسبی و متأثر از زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است، اما این توافق عمومی میان این افراد وجود دارد که با یکپارچه کردن ابعاد عینی و ذهنی، امکان دستیابی به تصویری کامل‌تر و مفیدتر از زندگی در مقیاس‌های گوناگون زمانی و مکانی فراهم می‌شود. در چارچوب مفهومی این پژوهش، محیط و ویژگی‌های آن یکی از ابعاد مهم و تأثیرگذار بر کیفیت زندگی است. در این پژوهش با توجه به تنوع فرهنگی، مکانی، مقیاس‌های متفاوت مطالعه و... پس از بررسی تجارت جهانی (جدول ۱ و ۲) بومی کردن شاخص‌ها (برای بالابردن ضریب اطمینان از ملموس بودن شاخص‌ها) براساس شرایط مکان مورد مطالعه (محله سیروس) صورت گرفت تا از انتخاب شاخص‌های انتزاعی اجتناب شود. برای این منظور بررسی عینی توسط پژوهشگران و مصاحبه با ساکنان صورت گرفت.

جدول ۳. مؤلفه‌های کیفیت زندگی در محله سیروس تهران

مقیاس	مؤلفه کلیدی	مؤلفه‌ها و شاخص‌های اصلی	زیرشاخص‌ها	منبع	برخی از منابع
		زیست‌محیطی	کیفیت محیط‌زیست و آلودگی هوا	ادبیات موضوع و مصاحبه	ویست‌وای، ۲۰۰۶؛ ساین و دیگران، ۲۰۰۷
			امنیت	ادبیات موضوع و مصاحبه	وانکامپ ^۱ و همکاران، ۲۰۰۳؛ میتچیل، ۲۰۰۰؛ فاهی و سیننید، ۲۰۰۸
		شاخص‌های روانی-اجتماعی	هویت و تعلق خاطر	ادبیات موضوع	لی، ۲۰۰۸؛ فاهی و سیننید، ۲۰۰۸؛ بوناپوتو ^۲ ، ۲۰۰۳
			زیبایی، تنوع و خوانایی	مصاحبه	
محله، شهر واحد مسکونی	کیفیت زندگی		حمل‌ونقل	ادبیات موضوع	ویست‌وای، ۲۰۰۶؛ فاهی و سیننید، ۲۰۰۸؛ وانکامپ و همکاران، ۲۰۰۳
		شاخص‌های کالبدی	امکانات و خدمات	ادبیات موضوع	ویست‌وای، ۲۰۰۶؛ لی، ۲۰۰۸؛ وانکامپ و همکاران، ۲۰۰۳؛ ساین و همکاران، ۲۰۰۷؛ فاهی و سیننید، ۲۰۰۸
			مسکن	ادبیات موضوع و مصاحبه	ساین و همکاران، ۲۰۰۷؛ ویست‌وای، ۲۰۰۶؛ ان‌جی و همکاران، ۲۰۰۵؛ باکر، ۲۰۰۲؛ فاهی و بوناپوتو و همکاران، ۲۰۰۳؛ فاهی و سیننید، ۲۰۰۸

منبع: نگارندگان



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و هدف آن با توجه به ارائه راهکارهایی برای ارتقای کیفیت زندگی کاربردی است. برای جمع‌بندی و تکوین رخدادها و پدیده‌ها، از مطالعات توصیفی (شناخت وضع موجود)، مطالعات تحلیلی (شناخت روابط علی و معلولی رخدادها و پدیده‌ها) و مطالعات ترکیبی (ترکیبی از دو نوع قبلی) در قالب نگرش سیستمی استفاده شد. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش، پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده و داده‌های آماری است. جامعه آماری آن تمام ساکنان محله سیروس تهران در منطقه ۱۲ شهرداری (۷۱۷۵ نفر، حدود ۱۹۴۴ خانوار) هستند که ۵ درصد از آن‌ها (۹۷ خانوار) برای نمونه‌گیری انتخاب شدند، اما برای اطمینان بیشتر، ۱۰۰ پرسشنامه در میان خانوارها توزیع شد که ۱۰ مورد از آن‌ها به دلایلی از جمله پاسخ‌دهی ناقص حذف شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش تصادفی ساده است و نمونه‌ها از میان افراد ۱۵ سال به بالا انتخاب شدند. نحوه تکمیل پرسشنامه به دو صورت بود: پرسشگری رودرو با مخاطب، و ارائه پرسشنامه به صورت حضوری به ساکنان و تحویل گرفتن از آن‌ها در مراجعات بعدی.

شاخص‌های پژوهش با استفاده از روش مستقیم پرسشنامه به‌طور کمی درآمدند. پرسشنامه نیز به دو قسمت تقسیم

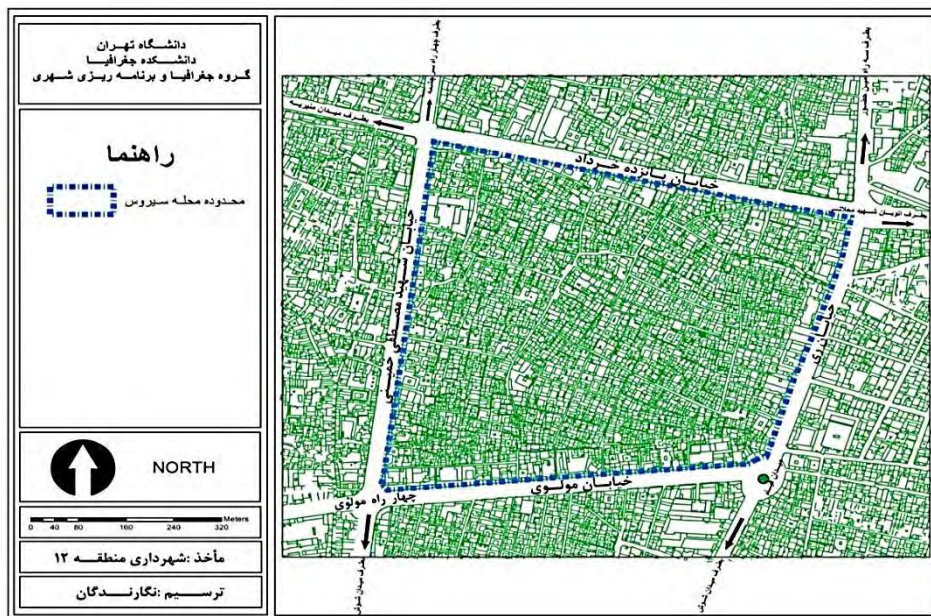
شد. قسمت اول شامل پرسش‌هایی درباره ویژگی‌های فردی و خانوارها بود (۱۲ پرسش به‌منظور بررسی تأثیر احتمالی آن‌ها در تجزیه و تحلیل داده‌ها). قسمت دوم در قالب ۸ معیار کلی (حمل‌ونقل، امکانات و خدمات، امنیت، هویت و تعلق خاطر، کیفیت محیط‌زیست و آلودگی، زیبایی و تنوع و خوانایی، مسکن و درنهایت رضایت از زندگی کلی) و ۵۷ زیر معیار دسته‌بندی شد. در این مطالعه، آنالیز واریانس یک‌طرفه و آزمون t تک‌نمونه‌ای به‌منظور سنجش و ارزیابی کیفیت زندگی ساکنان محله به‌کار رفت. همچنین برای سنجش میزان رضایت ساکنان، از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شد. پاسخ‌دهندگان با انتخاب یکی از اعداد ۱ تا ۵، میزان رضایتمندی خود را از زیرمعیارها بیان کردند؛ به‌گونه‌ای که عدد ۱ بیانگر نارضایتی کامل و ۵ بیانگر رضایت کامل است.

یافته‌های پژوهش

معرفی محدوده مورد مطالعه (جایگاه محله سیروس در ساختار تاریخی و کنونی تهران)

در نخستین دوره آماری در سال ۱۲۶۹ ه. ق، تهران ۵ محله داشت: ارگ و عودلاجان در شمال، بازار در جنوب، سنگلج در غرب و سیروس (چاله‌میدان) در شرق. در محله ارگ خانواده‌های سلطنتی و درباریان زندگی می‌کردند. عودلاجان محل سکونت شاهزادگان و کارمندان بود. سنگلج به اعیان و اشرف تعلق داشت. بازار محل اقامت کسبه و تجار بود و در محله چاله‌میدان (سیروس فعلی) سربازها، توپچی‌ها، غلامان و نوکران زندگی می‌کردند. در سال ۱۳۱۲ و ۱۳۱۶، معابر نامنظم این محله با تصویب قانون تعریض معابر اصلاح شد؛ به‌طوری‌که خیابان شمالی-جنوبی سیروس، بخشی از محله را جدا کرد و این منطقه به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شد. محله سیروس فعلی، زیرمحله جنوبی بازار نایب‌السلطنه است. در حال حاضر، محله سیروس با جمعیت ۷۱۷۵ نفری در سال ۱۳۸۵ و وسعتی ۴۰ هکتاری در تقسیمات شهری تهران، محله ۱۷ در منطقه ۱۲ محسوب می‌شود. خیابان‌های پانزده خرداد در شمال، ری در شرق، مولوی در جنوب و مصطفی‌خمینی در غرب محدوده آن را مشخص می‌کند. ساختار کلی محله را می‌توان به دو بخش کاملاً متمایز تقسیم کرد:

۱. لایه پیرامونی با کارکرد تجاری-خدماتی که رو به خیابان اصلی قرار دارد و با عمق متوسط ۵۰ متر، محله را محصور کرده است؛
 ۲. بافت مسکونی که سطح درونی محله را می‌پوشاند.
- محله سیروس به چند زیرمحله تقسیم می‌شود:
- زیرمحله اطراف بازارچه نایب‌السلطنه و خانه‌های اطراف آن؛
 - بخش‌های شرقی نزدیک به خیابان ری که وضعیت کالبدی آن از سایر ساختمان‌های محله مناسب‌تر است؛
 - بخش جنوب غربی که محل سکونت رامشه‌ای‌هاست و بافت ریزدانه و ناهمگونی دارد؛
 - بخش‌های میانی محله که پیرامون بن‌بست‌ها شکل گرفته است و فرسودگی در آن‌ها مشاهده می‌شود. ساختار کلی محله بازمانده‌ای ضعیف و فرسوده از ساختار شهر قدیمی است. ترکیب محله نیز کارگری (مهاجران روستایی و افغان) است (مهندسان مشاور باوند، ۱۳۸۱).



شکل ۲. موقعیت محله سیروس تهران

جدول ۴. نحوه کاربری اراضی موجود محله سیروس

ردیف	نوع کاربری	تعداد قطعه	مساحت (مترمربع)	ردیف	نوع کاربری	تعداد قطعه	مساحت (مترمربع)
۱۱	مسکونی	۱۴۰۳	۲۲۹۳۹۴	۶۱	مسجد و امام زاده	۲۱	۴۰۵۹
۱۲	متروکد	۳	۳۹۳	۶۲	حسینیه و تکیه	۱۴	۳۸۳۸
۱۳	مخروبه	۴۱	۹۱۶۵	۸۲	مراکز درمانی	۴	۱۰۹۷
۱۴	خالی	۳۸	۵۷۶۹	۹۱	پهداشتی	۴	۱۶۳۰
۱۵	در حال ساخت	۵	۱۵۶۱	۱۰۲	ورزشی	۱	۹۸۳
۱۶	مسکونی - تجاری	۸	۱۴۱۲	۱۱۲	اداری / خصوصی	۳	۲۵۷
۲۱	مغازه‌ها و فروشگاهها	۷۹۷	۵۲۴۱۵	۱۲۴	باغ و فضای سبز خصوصی	۱	۷۹۲
۲۲	مجموعه تجاری	۱۰	۲۴۵۲	۱۴۱	کارگاه تولیدی صنعتی	۶۴	۳۶۴۶
۲۳	شعب بانک	۷	۱۱۹۱	۱۴۳	کارگاه صنعتی	۱	۲۵۹
۲۵	بسته و نامشخص و غیر تجاری	۶۲	۲۸۰۵	۱۴۴	تعمیرگاه خودرو و گاراژ	۱۴	۵۳۹۲
۳۱	کودکستان	۱	۹۶	۱۵۲	تاسیسات شبکه برق	۶	۱۰۴
۳۲	دبستان	۴	۶۹۱۶	۱۵۳	تاسیسات شبکه گاز	۲	۶۸
۳۳	مدرسه راهنمایی	۲	۲۶۷۰	۱۷۴	پارکینگ عمومی	۳	۲۰۲۳
۳۴	دبیرستان	۱	۱۴۲۴	۱۷۵	اتبار	۳۰	۵۲۱۷
۴۱	حوزه علمیه	۶	۳۷۱۹	۱۹۱	تفریحات سالم	۱	۱۵
۵۱	فرهنگی	۲	۶۸۷	معیار داخل محله سیروس			۴۳۳۷۳
				وسعت محله			۳۹۴۸۱۹

منبع: مهندسان مشاور باوند، ۱۳۸۱

بررسی شاخص‌های مورد بررسی

الف) شاخص‌های زیست‌محیطی (کیفیت محیط‌زیست و آلودگی)

بر اساس ارزیابی ساکنان محله سیروس از شاخص‌ها و مؤلفه‌های زیست‌محیطی، بیشترین میزان نارضایتی و آزدگی، به نحوه جمع‌آوری زباله و نبود زیرساخت‌های مناسب برای دفع آب‌های سطحی مربوط است. پوشش نامناسب سطح معابر و نبود جوی آب برای جمع‌آوری و دفع آب‌های سطحی از دلایل این نارضایتی است؛ به طوری که میزان رضایت در این دو عنصر به میانه نظری (۳) نزدیک است.

جدول ۵. مشخصات آماری شاخص‌های مورد بررسی (کیفیت محیط زیست و آلودگی)

تعداد	آماره		شاخص‌ها
	انحراف معیار	میانگین	
۹۰	۱/۰۶۵	۴/۲۱	رضایت از کیفیت هوا
۹۰	۱/۱۴۴	۳/۸۷	رضایت از نظافت خیابان و اماکن عمومی
۹۰	۱/۵۰۸	۳/۲۹	نبود زیرساخت‌ها
۹۰	۱/۱۹۶	۴/۰۹	احساس نزدیکی به طبیعت
۹۰	۱/۲۷۶	۴/۰۱	ناراحتی از بوی بد محله
۹۰	۱/۳۵۵	۳/۳۹	رضایت از جمع‌آوری زباله محله

ب) شاخص‌های کالبدی

حمل‌ونقل

براساس بررسی عناصر سازنده شاخص‌های حمل‌ونقل، بیشترین میزان آزدگی در این محله به مدت‌زمان و نحوه رفت‌وآمد به محل کار، سهولت دسترسی به حمل‌ونقل عمومی و میزان استفاده از آن مربوط است. همچنین بیشترین میزان رضایت به وجود پارکینگ (به دلیل بافت متروکه و تبدیل آن‌ها به پارکینگ توسط بخش خصوصی و شهرداری) مربوط است.

جدول ۶. مشخصات آماری شاخص‌های مورد بررسی (حمل‌ونقل)

تعداد	آماره		شاخص‌ها
	انحراف معیار	میانگین	
۹۰	۱/۰۰۲	۳/۳۹	رضایت از شرایط رفت‌وآمد در محله
۹۰	۰/۹۶۲	۳/۵۴	رضایت از شرایط رفت‌وآمد در شهر
۹۰	۰/۹۶۰	۳/۳۳	رضایت از دسترسی پیاده به حمل‌ونقل عمومی در محله
۹۰	۱/۳۶۷	۲/۸۷	سهولت رفت‌وآمد به محل کار
۹۰	۱/۱۵۸	۳/۳۹	ایمنی در رفت‌وآمد
۹۰	۱/۱۵۱	۳/۰۲	دسترسی محله به دیگر نقاط شهر
۹۰	۱/۱۳۵	۴/۲۴	پارکینگ
۹۰	۱/۲۰۸	۲/۹۸	میزان استفاده از حمل‌ونقل عمومی
۹۰	۱/۰۶۷	۲/۹۱	سهولت دسترسی به حمل‌ونقل عمومی
۹۰	۱/۱۵۹	۳/۲۲	رضایت از هزینه حمل‌ونقل عمومی
۹۰	۱/۳۴۵	۲/۷	نحوه رفتن به محل کار
۹۰	۱/۴۱۳	۲/۳۲	مدت‌زمان رسیدن به محل کار
۹۰	۱/۰۳۹	۳/۲۸	رضایت از امکانات حمل‌ونقل

امکانات و خدمات

در میان شاخص‌های مورد مطالعه در این بخش، دسترسی به مساجد و مراکز مذهبی، بالاترین میزان آزدگی، و دسترسی به مراکز فرهنگی بالاترین میزان رضایت را دارد. بالا بودن میزان رضایت ساکنان از مراکز فرهنگی، به دلیل ایجاد خانه‌های فرهنگ، کتابخانه و محل گردهمایی پس از اجرای پروژه نوسازی محله است. علاوه بر موارد فوق، میانگین رضایت دسترسی به بانک‌ها، مراکز خرید و مایحتاج، و دبستان پایین‌تر از میان‌نظری، اما میانگین رضایت کل ساکنان از امکانات و خدمات، در حد متوسط قرار دارد که دلیل آن، مرکزیت محله و پاره‌ای خدمات درونی و پیرامون آن است.

جدول ۷. مشخصات آماری شاخص‌های مورد بررسی (امکانات و خدمات)

تعداد	آماره		شاخص‌ها
	انحراف معیار	میانگین	
۹۰	۱/۴۴۵	۲/۹۸	رضایت از دبستان‌ها
۹۰	۱/۰۳۶	۳/۴	رضایت از مدارس راهنمایی
۹۰	۰/۹۸۶	۳/۴۹	رضایت از دسترسی به دبیرستان
۹۰	۰/۹۵۲	۳/۷۶	رضایت از دسترسی به مهدکودک
۹۰	۱/۱۵۴	۳/۶۴	رضایت از امکانات ورزشی
۹۰	۱/۱۵۰	۳/۶۸	رضایت از پارک‌ها و فضای سبز
۹۰	۱/۲۹۲	۳/۵	رضایت از امکانات بهداشتی - درمانی
۹۰	۱/۱۶۵	۲/۸۹	رضایت از مراکز خرید مایحتاج روزانه
۹۰	۱/۰۳۹	۲/۷۷	رضایت از مراکز خرید هفتگی، ماهانه، سالانه
۹۰	۱/۲۰۲	۲/۵۱	رضایت از دسترسی به بانک‌ها
۹۰	۱/۱۳۲	۳/۵۷	رضایت از دسترسی به ادارات
۹۰	۱/۲۰۷	۲/۲۲	رضایت از مساجد و مراکز مذهبی
۹۰	۱/۲۲۶	۳/۸۴	رضایت از فضای باز
۹۰	۱/۱۳۲	۳/۹	رضایت از دسترسی به امکانات فرهنگی
۹۰	۱/۰۸۳	۳/۸	رضایت از امکانات و خدمات محله

واحد مسکونی

امتیاز دادن ساکنان به واحد مسکونی نشان می‌دهد میانگین رضایت آن‌ها از این شاخص، بالاتر از میانه نظری است. در این میان، بیشترین میزان آزردهی مربوط به امکانات واحد مسکونی و آسایش نداشتن ناشی از سروصدای همسایگان است. دلیل این مسئله، بافت اجتماعی محله (کارگری-افغانی)، مدت کم اقامت ساکنان (شکل‌نگرفتن سرمایه‌های اجتماعی بلندمدت)، قدیمی بودن واحدهای مسکونی و متروکه بودن آن‌هاست.

جدول ۸. مشخصات آماری شاخص‌های مورد بررسی (واحد مسکونی)

تعداد	آماره		شاخص‌ها
	انحراف معیار	میانگین	
۹۰	۱/۱۸۴	۳/۰۶	رضایت از امکانات واحد مسکونی
۹۰	۱/۰۹۰	۳/۵۹	رضایت از مساحت واحد مسکونی
۹۰	۱/۰۸۳	۳/۵۴	رضایت از طراحی واحد مسکونی
۹۰	۱/۴۰۵	۲/۷۳	آسایش نداشتن ناشی از سروصدای همسایگان
۹۰	۰/۹۷۲	۳/۵۷	رضایت از محیط مسکونی

شاخص‌های اجتماعی-روانی

امنیت

براساس بررسی مؤلفه‌های سازنده این بخش، رضایت ساکنان از امنیت در سطح محله متوسط است. همچنین بیشترین میزان آزردهی به امنیت تردد زنان و کودکان در شهر (پایین‌تر از میانه نظری) مربوط است. بهداشتی نبودن محله و خطر ابتلای کودکان به بیماری‌های مسری، ناامنی محله برای کودکان، وجود معتادان در این مکان و نگرانی از اعتیاد آن‌ها، همچنین شلوغی کوچه و وجود موتورسواران از دلایل این ناراضی است.

جدول ۹. مشخصات آماری شاخص‌های مورد بررسی (امنیت)

تعداد	آماره		شاخص‌ها
	انحراف معیار	میانگین	
۹۰	۱/۲۶۷	۳/۰۳	رضایت از امنیت شهر
۹۰	۱/۰۸۳	۳/۹۲	رضایت از امنیت محله
۹۰	۱/۰۲۸	۳/۶۷	رضایت از امنیت تردد زنان و کودکان در محله
۹۰	۱/۱۱۶	۲/۸۹	رضایت از امنیت تردد زنان و کودکان در شهر
۹۰	۱/۰۶۵	۳/۶۳	رضایت از امنیت پارک‌ها و فضای عمومی

هویت و تعلق خاطر

هویت و تعلق خاطر در میان شاخص‌ها و عناصر سازنده کیفیت زندگی، بیشترین میزان آزردهی و نارضایتی را در محله سیروس دارد؛ به طوری که امتیاز ساکنان به جز یک مورد (دوری از محله) در بقیه موارد بسیار پایین‌تر از میانه نظری است. از دلایل نارضایتی، آزردهی و کم‌اهمیت بودن این مؤلفه‌ها (به دلیل پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین) برای ساکنان، مهاجرپذیری بالای محله (کارگری-افغانی)، مهاجرت ساکنان اولیه از محله و به تبع آن تعلق خاطر نداشتن ساکنان به فضای محله به دلیل مدت اقامت کم است.

جدول ۱۰. مشخصات آماری شاخص‌های مورد بررسی (هویت و تعلق خاطر)

تعداد	آماره		شاخص‌ها
	انحراف معیار	میانگین	
۹۰	۱/۲۰۵	۲/۸۲	احساس تعلق به محله
۹۰	۱/۳۱۲	۲/۸۶	تمایل به مطلع کردن خویشاوندان از محل سکونت
۹۰	۱/۴۰۵	۲/۱۹	تمایل به تغییر محل زندگی
۹۰	۱/۱۱۵	۱/۹۴	اهمیت به بهبود شرایط محله
۹۰	۱/۵۰۶	۳/۴۲	ناراحتی به دلیل دوری از محله

زیبایی، تنوع و خوانایی

در میان شاخص‌های سازنده این بخش، متراکم بودن واحدهای ساختمانی محله و مسئله آدرس‌دهی به خویشاوندان، بیشترین میزان آزردهی را دارد که دلیل آن بافت قدیمی محله، عرض کم معابر، نفوذناپذیری محله و نام‌گذاری نامناسب معابر است.

جدول ۱۱. مشخصات آماری شاخص‌های مورد بررسی (زیبایی، تنوع و خوانایی)

تعداد	آماره		شاخص‌ها
	انحراف معیار	میانگین	
۹۰	۱/۰۴۱	۴/۰۸	رضایت از زیبایی محله
۹۰	۱/۱۳۴	۴/۰۸	میزان تنوع و جذابیت در محله
۹۰	۰/۹۹۵	۴/۱۰	تنوع امکانات و خدمات برای گروه‌های مختلف سنی
۹۰	۱/۲۵۸	۲/۹۷	دشواری خویشاوندان در یافتن آدرس
۹۰	۱/۳۳۷	۲/۲۶	تراکم ساختمانی

بررسی تأثیر عوامل فردی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی بر رضایتمندی از کیفیت زندگی

بررسی رابطه میان رضایتمندی و مدت اقامت

بر اساس بررسی آمارهای توصیفی و آنالیز واریانس، میان رضایتمندی از زندگی و مدت اقامت در محله، رابطه وجود دارد؛

به طوری که رضایت افرادی با اقامت کمتر از یک سال، از دیگران بیشتر بود، اما افرادی با اقامت طولانی‌تر به دلیل آشنایی با مسائل و مشکلات محله ناراضی‌تر بودند.

جدول ۱۲. آمار توصیفی (مدت اقامت)

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	بازه اطمینان ۹۵ درصد برای میانگین		حداقل	حداکثر
				حد پایین	حد بالا		
کمتر از یک سال	۸	۳/۸۳	۰/۳۹۸۴۱	۳/۵۰	۴/۱۶	۳/۰۰	۴/۳۳
۱-۴ سال	۱۸	۳/۰۱	۰/۷۶۲۴۵	۲/۳	۳/۳۹	۱/۳۳	۴/۶۷
۴-۸ سال	۷	۲/۶۱	۰/۴۰۵۰۰	۲/۲۴	۲/۹۹	۲/۰۰	۳/۰۰
۸-۱۲ سال	۳۲	۲/۸۸	۰/۹۲۹۸۳	۲/۵۵	۳/۲۲	۱/۰۰	۵/۰۰
بیش از ۱۲ سال	۲۵	۲/۸۸	۰/۵۷۶۳۹	۲/۶۴	۳/۱۱	۲/۰۰	۴/۳۳
کل	۹۰	۲/۹۷	۰/۷۷۹۳۰	۲/۸۱	۳/۱۳	۱/۰۰	۵/۰۰

جدول ۱۳. محاسبه آماره F (رابطه میان میزان رضایتمندی و مدت سکونت)

میزان معناداری	آماره F	میانگین مجموع مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	رضایتمندی
۰/۰۱۴	۳/۳۱۷	۱/۸۲۴	۴	۷/۲۹۷	میان گروه‌ها
-	-	۵۵۰	۸۵	۴۶/۷۵۳	درون گروه‌ها
-	-	-	۸۹	۵۴/۰۵۱	کل

بررسی رابطه میان رضایتمندی از کیفیت زندگی و سن

بر اساس بررسی داده‌ها در این بخش، هرچند میانگین رضایت پایین است، این مقوله برای گروه‌های سنی مختلف متفاوت است؛ به طوری که جوانان ناراضی‌تر و افراد مسن به دلیل خو گرفتن با محله راضی‌تر هستند. به عبارت دیگر، میان سن و میزان رضایت از کیفیت زندگی ارتباط وجود دارد.

جدول ۱۴. آمار توصیفی (سن پاسخ‌گویان)

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	بازه اطمینان ۹۵ درصد برای میانگین		حداقل	حداکثر
				حد پایین	حد بالا		
کمتر از ۱۵ سال	۵	۲/۶۶	۰/۴۰۸۲۵	۲/۱۵	۳/۱۷	۲/۰۰	۳/۰۰
۱۵-۳۰ سال	۲۹	۳/۱۴	۰/۷۷۹۶۳	۲/۸۵	۳/۴۴	۱/۰۰	۵/۰۰
۳۱-۴۵ سال	۴۰	۲/۹۶	۰/۶۷۰۰۸	۲/۷۵	۳/۱۸	۲/۰۰	۴/۶۷
۴۶-۶۰ سال	۱۱	۲/۳۶	۰/۷۸۱۰۹	۱/۸۳	۲/۸۸	۱/۳۳	۴/۳۳
۶۰ سال به بالا	۵	۳/۶۶	۱/۱۰۵۵۴	۲/۲۹	۵/۰۳	۲/۰۰	۵/۰۰
کل	۹۰	۲/۹۷	۰/۷۷۹۳۰	۲/۸۱	۳/۱۳	۱/۰۰	۵/۰۰

جدول ۱۵. محاسبه آماره F (رابطه میان رضایتمندی و سن پاسخ‌گویان)

میزان معناداری	آماره F	میانگین مجموع مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	رضایتمندی
۰/۰۰۹	۳/۶۱۸	۱/۹۶۶	۴	۷/۸۶۴	میان گروه‌ها
-	-	۰/۵۴۳	۸۵	۴۶/۱۸۷	درون گروه‌ها
-	-	-	۸۹	۵۴/۰۵۱	کل

بررسی رابطه میان رضایتمندی از کیفیت زندگی و نوع مالکیت

براساس بررسی آمارهای توصیفی و تحلیل واریانس، نوع مالکیت در ارزیابی ساکنان از کیفیت زندگی در محله سیروس تأثیری نداشته است.

جدول ۱۶. آمار توصیفی (نوع مالکیت)

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	بازه اطمینان ۹۵ درصد برای میانگین		حداقل	حداکثر
				حد بالا	حد پایین		
ملکی	۳۱	۲/۹۴	۰/۸۰۳۲۲	۲/۶۵	۳/۲۴	۲/۰۰	۵/۰۰
اجاره‌ای	۵۱	۳/۰۶	۰/۷۹۵۹۴	۲/۸۳	۲/۲۸	۱/۰۰	۴/۶۷
سایر	۸	۲/۵۸	۰/۵۲۷۰۵	۲/۱۴	۳/۰۲	۱/۶۷	۱/۳۳
کل	۹۰	۲/۹۷	۰/۷۸۳۰۲	۲/۸۱	۳/۱۴	۱/۰۰	۵/۰۰

جدول ۱۷. محاسبه آماره آزمون (رابطه میان میزان رضایتمندی و نوع مالکیت)

میزان معناداری	آماره F	میانگین مجموع مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	رضایتمندی
۰/۲۷۱	۱/۳۲۶	۰/۸۰۷	۲	۱/۶۱۴	میان گروه‌ها
-	-	۰/۶۰۹	۸۶	۵۲/۳۴۲	درون گروه‌ها
-	-	-	۸۸	۵۳/۹۵۵	کل

بررسی رابطه میان رضایتمندی از کیفیت زندگی و میزان تحصیلات

براساس بررسی و تحلیل داده‌ها، میان رضایتمندی و تحصیلات ساکنان محله سیروس رابطه معناداری وجود ندارد. میزان تحصیلات ساکنان در این امر کمتر تأثیرگذار بوده است.

جدول ۱۸. آمار توصیفی (میزان تحصیلات)

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	بازه اطمینان ۹۵ درصد برای میانگین		حداقل	حداکثر
				حد بالا	حد پایین		
بی‌سواد	۴	۲/۲۵	۰/۹۵۷۴۳	۰/۷۲۶۵	۳/۷۷۳۵	۱/۰۰	۳/۰۰
ابتدایی	۱۴	۲/۷۳	۰/۸۱۸۳۶	۲/۲۶۵۶	۳/۲۱۰۶	۱/۳۳	۵/۰۰
سیکل	۲۹	۳/۱۲	۰/۷۷۳۶۴	۲/۸۳۲۲	۳/۴۲۰۷	۲/۰۰	۵/۰۰
دیپلم	۳۲	۳/۱۲	۰/۷۸۸۵۸	۲/۸۴۰۷	۳/۴۰۹۳	۱/۶۷	۴/۶۷
فوق‌دیپلم و بالاتر	۴	۲/۵۸	۰/۵۶۹۲۸	۱/۶۷۷۵	۳/۴۸۹۲	۱/۰۰	۳/۳۳
کل	۸۳	۲/۹۹	۰/۸۰۶۴۴	۲/۸۱۵۹	۳/۱۶۸۱	۱/۰۰	۵/۰۰

جدول ۱۹. محاسبه آماره آزمون (رابطه میان میزان رضایتمندی و میزان تحصیلات پاسخ‌گویان)

میزان معناداری	آماره F	میانگین مجموع مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	رضایتمندی
۰/۱۰۹	۱/۹۵۷	۱/۲۱۶	۴	۴/۸۶۳	میان گروه‌ها
-	-	۰/۶۲۱	۷۸	۴۸/۴۶۵	درون گروه‌ها
-	-	-	۸۲	۵۳/۳۲۵	کل

بررسی رابطه میان رضایتمندی از کیفیت زندگی و شغل

براساس بررسی داده‌های آماری (توصیفی و تحلیل واریانس)، رابطه معناداری میان رضایتمندی از کیفیت زندگی در محله سیروس و نوع شغل پاسخ‌گویان وجود ندارد. همچنین تفاوت چندانی میان رضایت گروه‌های مختلف شغلی در این محله دیده نمی‌شود. دلیل این امر تفاوت اندک میان نوع شغل ساکنان است.

جدول ۲۰. آمار توصیفی (شغل پاسخ‌گویان)

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	بازه اطمینان ۹۵ درصد برای میانگین		حداقل	حداکثر
				حد بالا	حد پایین		
کارمند	۵	۳/۰۰	۰/۳۳۳۳۳	۲/۵۸	۳/۴۱	۲/۶۷	۳/۳۳
کارگر	۱۱	۳/۲۴	۰/۸۰۴۰۳	۲/۷۰	۳/۷۸	۲/۳۳	۴/۶۷
آزاد	۳۲	۲/۹۱	۰/۸۳۳۸۷	۲/۶۱	۳/۲۱	۱/۳۳	۵/۰۰
خانه‌دار	۳۷	۲/۹۹	۰/۷۹۱۴۹	۲/۷۲	۳/۲۵	۱/۰۰	۴/۶۷
سایر	۵	۲/۶۰	۰/۵۹۶۲۸	۱/۸۵	۳/۳۴	۲/۰۰	۳/۳۳
کل	۹۰	۲/۹۷	۰/۷۷۹۳۰	۲/۸۱	۳/۱۳	۱/۰۰	۵/۰۰

جدول ۲۱. محاسبه آماره آزمون (رابطه میان رضایتمندی و شغل پاسخ‌گویان)

میزان معناداری	آماره F	میانگین مجموع مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	رضایتمندی
۰/۶۲۶	۰/۶۵۳	۰/۴۰۳	۴	۱/۶۱۱	میان گروه‌ها
-	-	۰/۶۱۷	۸۵	۵۲/۴۳۹	درون گروه‌ها
-	-	-	۸۹	۵۴/۰۵۱	کل

بررسی رضایتمندی کلی ساکنان از کیفیت زندگی

علاوه بر سنجش رضایتمندی ساکنان به تفکیک شاخص‌های مختلف و عوامل تأثیرگذار بر آن‌ها، در این قسمت، رضایت کلی ساکنان از زندگی سنجیده شد. برای این امر، از آزمون میانگین و تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. براساس نتایج آزمون، میانگین رضایت ساکنان از کیفیت زندگی پایین‌تر از حد متوسط است.

جدول ۲۲. محاسبه آمار آزمون (t تک‌نمونه‌ای)

شاخص	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای استاندارد
رضایتمندی از کیفیت زندگی	۹۰	۲/۹۷	۰/۷۷۹۳۰	۰/۸۲۱۵

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: به نظر می‌رسد میان کیفیت خدمات محیط شهری (شاخص‌های سازنده کیفیت) و رضایتمندی یا نارضایتی ساکنان از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. رضایتمندی، معیاری کلیدی در ارزشیابی کیفیت زندگی است. کیفیت زندگی را بایستی معادل احساس رضایت کلی از زندگی دانست. برای سنجش فرضیه اول در این پژوهش، سه دسته از شاخص‌های زیست‌محیطی (محیط‌زیست و آلودگی)، کالبدی (حمل‌ونقل، امکانات و خدمات، واحد مسکونی) و شاخص‌های اجتماعی و روانی (امنیت، هویت و تعلق خاطر و زیبایی، تنوع و خوانایی) در جداول ۵ تا ۱۱ بررسی شد.

هرچند مقوله رضایتمندی حالتی درهم‌تنیده و منسجم دارد و قابل تفکیک نیست، براساس نتایج بررسی‌ها، میزان رضایت ساکنان از شاخص‌ها و زیرمعیارهای آن متناسب با نحوه کیفیت آن‌ها متفاوت است. به عبارت دیگر، میزان رضایت ساکنان نمایانگر نحوه کیفیت خدمات است؛ به طوری که بیشترین میزان آزردهی در محله به موارد زیر اختصاص دارد:

در میان شاخص‌های زیست‌محیطی: نحوه جمع‌آوری زباله (۳/۳۹)، در شاخص‌های کالبدی: مراکز مذهبی (۲/۲۲) و مدت‌زمان رسیدن به محل کار (۲/۳۲)، در شاخص‌های روانی-اجتماعی: اهمیت‌نداشتن بهبود شرایط محله (۱/۹۴)، تغییر محل زندگی (۲/۱۹) و تراکم ساختمانی (۲/۲۶). در واقع، این وضعیت نگرش متفاوت ساکنان را به هریک از مؤلفه‌ها به فراخور وضعیت آن‌ها در محله نمایان می‌کند؛ بنابراین، ارتباطی میان کیفیت خدمات محیط شهری و رضایتمندی یا ناراضی‌تی ساکنان وجود دارد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد ارزیابی ساکنان از کیفیت محیط شهری و به تبع آن کیفیت زندگی، تنها به شاخص‌های زیست‌محیطی و کالبدی بستگی ندارد، بلکه به سایر شاخص‌های روانی-اجتماعی نیز وابسته است.

نتایج جداول ۹، ۱۰ و ۱۱ نشان‌دهنده اهمیت شاخص‌های روانی-اجتماعی برای ساکنان است. آزردهی ساکنان و امتیاز پایین آن‌ها به این شاخص‌ها، به‌ویژه به هویت و تعلق خاطر (۲/۶۴)، نشان‌دهنده اهمیت شاخص‌های روانی-اجتماعی است؛ به طوری که دستیابی به محله توسعه‌یافته بدون توجه به تقویت پیوندهای اجتماعی و احساس توطن و دل‌بستگی به مکان امکان‌پذیر نیست و بایستی به شاخص‌های زیست‌محیطی، کالبدی و روانی-اجتماعی به صورت یکپارچه نگریسته شود. تجارب نوسازی در محله و دنبال کردن رویکردهای صرفاً کالبدی یا به عبارتی رهیافت اوزالیدی در محله، صحت این مدعا را تأیید می‌کند.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد تعدادی از ویژگی‌های فردی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانوارها بر کیفیت محیط ادراکی مؤثرند و به‌طور معناداری بر رضایتمندی و ناراضی‌تی ساکنان تأثیرگذارند.

براساس نتایج بررسی‌های این پژوهش (آمارهای توصیفی و آماره F) از میان خصوصیات فردی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی ساکنان، مدت اقامت در محله (جداول ۱۲ و ۱۳) و سن (جداول ۱۴ و ۱۵) در ارزیابی ساکنان از کیفیت زندگی تأثیرگذار است، اما نوع مالکیت (جداول ۱۶ و ۱۷)، میزان تحصیلات (جداول ۱۸ و ۱۹) و نوع شغل (جداول ۲۰ و ۲۱) تأثیر چندانی ندارد. به عبارت دیگر، میان پاره‌ای از خصوصیات فردی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی ساکنان، و میزان رضایتمندی رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

کیفیت زندگی همواره یکی از مسائل اساسی پیش‌روی شهرهای کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران به‌شمار می‌آید؛ در حالی که آمارها بیانگر روند روبه‌رشد جمعیت شهری است، کیفیت زندگی در نقاط شهری به موضوعی محوری برای برنامه‌ریزان شهری تبدیل شده است. براساس نتایج این پژوهش، کیفیت زندگی مقوله‌ای چندبعدی و پیچیده است که از عوامل زیادی تأثیر می‌پذیرد. همچنین میزان رضایتمندی از عناصر سازنده کیفیت زندگی برای افراد و گروه‌های مختلف و بنا بر شرایط مختلف زمانی-مکانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فیزیکی معانی متفاوتی دارد؛ بنابراین، مطالعه لایه‌های درونی آن ضروری است.

افزون‌براین، نحوه ارزیابی ساکنان از کیفیت محیط در سه سطح شهر، محله و واحد مسکونی نمایانگر سطح و نحوه کیفیت زندگی آن‌هاست. براساس نتایج سنجش کیفیت زندگی در محله سیروس، هرچند کیفیت زندگی در این محله متوسط به پایین (۲/۹۷)، و رضایت ساکنان از کیفیت زندگی پایین‌تر از حد متوسط است، رضایتمندی ساکنان از عناصر

اصلی سازنده کیفیت زندگی شهری در محدوده مورد مطالعه و زیرمعیارهای آن (زیست‌محیطی، اجتماعی-روانی و کالبدی) نشان‌دهنده نتایج متفاوتی است؛ به طوری که کمترین میزان رضایت (بیشترین آزدگی) علی‌رغم اجرای پروژه‌های نوسازی در محله سیروس، به شاخص‌های هویت و تعلق خاطر (روانی-اجتماعی) با ۲/۶۴ (پایین‌تر از حد میانگین) مربوط است. در این میان تأکید صرف بر اهداف کالبدی و بی‌توجهی به اهداف اجتماعی در قالب پروژه نوسازی (ناشی از رویکرد سنتی برنامه‌ریزی شهری) چهره کنونی حقایق جاری را نشان می‌دهد. آثار و پیامدهای این امر (رهیافت صرفاً کالبدی) یکی از دلایل توجه به مفهوم کیفیت زندگی در عرصه برنامه‌ریزی شهری (نگاه چندوجهی و جامع) در سال‌های اخیر است. علاوه بر این، شاخص‌های کالبدی (حمل‌ونقل با میانگین رضایت ۳/۱۶، واحد مسکونی با میانگین ۳/۲۹ و امکانات و خدمات با میانگین ۳/۳) از نظر نارضایتی ساکنان در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد. همچنین سایر شاخص‌های روانی-اجتماعی (امنیت با میانگین رضایت ۳/۴۲ و زیبایی، تنوع و خوانایی با میانگین رضایت ۳/۴۹) و شاخص‌های زیست‌محیطی (با میانگین رضایت ۳/۸۱) در مراتب بعدی هستند. شرایط فوق نمایانگر وضعیت نسبتاً متفاوت، اما پایین (تا اندازه‌ای بالاتر از میانگین) رضایتمندی ساکنان از تمام شاخص‌های مورد بررسی است. براساس نتایج این پژوهش، تأکید صرفاً کالبدی و تک‌بعدی نه تنها سبب غفلت از ابعاد دیگر طرح و برنامه‌ها (با توجه به ماهیت چندبعدی آن‌ها) می‌شود، بلکه در شاخص‌های کالبدی نیز تأثیر چشمگیری ندارد؛ بنابراین، ضروری است علاوه بر شاخص‌های زیست‌محیطی و کالبدی، به شاخص‌های روانی-اجتماعی هم توجه شود؛ به طوری که هرگونه برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت زندگی بدون توجه به نیازهای روانی-اجتماعی در درازمدت به شکست می‌انجامد. همچنین براساس نتایج دیگر این پژوهش، در میان ویژگی‌های فردی و پایگاه اجتماعی و اقتصادی ساکنان، مدت اقامت در محله و سن، در رضایتمندی و نارضایتی ساکنان و نحوه قضاوت آن‌ها برای تعیین رضایتشان تأثیرگذار است. در مقابل، ویژگی‌هایی مانند نوع مالکیت واحد مسکونی، میزان تحصیلات و نوع شغل تأثیر چندانی ندارد. هدف نهایی سنجش کیفیت زندگی در این محله، آگاهی از مسائل و مشکلات ساکنان و اولویت‌دادن به نیازها و خواسته‌های آنان است. این مسئله نه تنها سبب می‌شود تصمیم‌گیران و مدیران شهری دیدی جامع از مشکلات به دست بیاورند، بلکه زمینه آگاهی از راه‌حل‌های ممکن، درک تأثیرات طولانی‌مدت تصمیمات خود و در نهایت بازنگری در اقدامات را فراهم می‌کند. ارتقای کیفیت زندگی نه تنها به نیازهای مادی انسان، بلکه به تأمین و ارتقای ظرفیت‌های اجتماعی توجه دارد که بر الگوهای رفتار اجتماعی آن‌ها تأثیرگذار است. با توجه به کیفیت پایین زندگی در محله سیروس، ارتقای کیفیت زندگی به منظور افزایش سطح رضایتمندی ساکنان ضروری است. در این میان، هرگونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت زندگی در این محله باید با توجه به آراء، نظرات و نیازهای ساکنان باشد و به صورت یکپارچه صورت بگیرد؛ بنابراین، اقداماتی برای افزایش هویت، تعلق خاطر و بهبود سیستم حمل‌ونقل در اولویت اول و دوم قرار دارد و تأمین آسایش محیط مسکونی، تقویت امکانات و خدمات موجود، تأمین امنیت محله و بهبود وضعیت زیست‌محیطی در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند. براساس نتایج پژوهش و با در نظر گرفتن اولویت‌های فوق و مؤلفه‌های اصلی پژوهش، پیشنهادی‌های زیر برای ارتقای کیفیت زندگی در محله سیروس ارائه می‌شود:

اولویت اول: عوامل اجتماعی-روانی

هویت و تعلق خاطر

- تعریف حدود مرز محله و طراحی عناصر محرک احساس نوستالژی به ویژه سردر و عناصر شاخص در ورودی‌های اصلی؛
- ایجاد پاتوق‌ها و فضاهای جمعی خاطره‌انگیز و محرک تجمع اهالی (پارک و...)
- تقویت هم‌بستگی اجتماعی (تعاون، همیاری، اعتماد و...) با ایجاد خانه محله، خانه فرهنگ، کتابخانه، محل

گردهمایی (با بهره‌گیری از اشتراکات فرهنگی به‌ویژه مذهبی و...);
 - فراهم کردن زمینه برای ماندگاری ساکنان قدیمی محله و جلوگیری از خروج آن‌ها (با دادن امتیازاتی از جمله تسهیلات نوسازی با بهره‌ کم، اقساط بلندمدت و سود کم و بخشودگی عوارض به‌ویژه عوارض افراد کم‌بضاعت).

امنیت

- تأمین روشنایی کافی برای معابر و امکان عمومی در شب؛
 - پیش‌بینی فعالیت‌ها و عملکرد دائم و مستمر در تمام ساعات شبانه‌روز و در نقاط ناامن، کم‌تردد و متروکه (مجوز احداث مغازه در سر تقاطع‌ها)؛
 - انتقال کاربری‌های مزاحم، ناسازگار و ایجادکننده سروصدا، دود و گرما (مختل‌کننده ایمنی محیط)؛
 - فراهم کردن زمینه کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی از طریق اقدامات فرهنگی-درمانی (وجود معتادان و...);
 - شناسایی و ساماندهی فضاهای ناامن، بدون نظارت و بی‌دفاع در سطح محله (فضاهای متروکه، خالی و...) تأمین ایمنی گروه‌های مختلف به‌ویژه کودکان و زنان.

تنوع، زیبایی و خوانایی

- ایجاد فضاهای باهویت و جذاب در محله (فضای سبز و...);
 - تقویت عناصر و فضاهای شاخص و نمادین برای ایجاد خوانایی بیشتر، حریم و محوریت از طریق الگوسازی مناسب ساخت در لبه‌ها و مناسبت فضا در لبه‌ها و نماسازی (تعریف نماهای خاص هر کوچه و استفاده از وحدت در کف‌پوش پیاده‌روها)؛
 - تأکید بر نفوذپذیری بافت با ایجاد تعریض حداقلی (با فراهم کردن فضاهای باز و گشایش فضایی در میانه بافت در قالب جنبه‌های عملکردی آن، برای افزایش برخورد‌های اجتماعی)؛
 - تقویت نقاط مکث (برای افزایش زمان ماندن در محله، قدم‌زدن و... مانند فضاهای سبز متخلخل و گذاشتن نیمکت در آن).

اولویت دوم: عوامل کالبدی

حمل‌ونقل

- ساماندهی و تقویت شبکه معابر با تأکید بر حرکت پیاده، و تجهیز و تقویت پیاده‌روها برای دسترسی مطلوب به خدمات محلی و فرامحلی (حمل‌ونقل عمومی، کاربری‌های فرامحله‌ای و...);
 - تلاش برای کاهش ترافیک سواره در محله به‌منظور افزایش ایمنی عابران پیاده؛
 - کف‌سازی مناسب معابر و پیاده‌روها، نصب پل‌های عابر پیاده و سرعت‌گیر در نقاط مناسب، تعبیه نرده‌های محافظ، خط‌کشی برای عابر پیاده و... .

واحد مسکونی

- تسهیل تأمین مسکن متنوع و متناسب با استطاعت مالی ساکنان؛
 - تدوین ضوابط تشویقی برای بازسازی و نوسازی مسکن با اعطای وام‌های کم‌بهره، بلندمدت و...؛
 - جلوگیری از افزایش بی‌رویه تراکم ساختمانی و رعایت تعادل میان توده و فضا؛
 - استحکام‌بخشی کالبدی و تقویت سازه‌های بناهای موجود در محله با استفاده از تمهیدات متناسب؛
 - تدوین ضوابط سیما و منظر، و نماسازی با تأکید بر اصالت‌بخشی و تقویت هویت واحدهای ساختمانی.

امکانات و خدمات

تأمین امکانات و خدمات مورد نیاز محله، متناسب با نیاز (سرانه‌های استاندارد) و توزیع فضایی مناسب آن در محله از جمله:

- ایجاد فضاهای ورزشی و تجهیز پارک‌ها به لوازم ورزشی؛
- ایجاد پارک و فضاهای سبز مناسب، و تقویت کاربری‌های فرهنگی در محله؛
- بازسازی و نوسازی مراکز آموزشی، تأمین کمبودها و تقویت مراکز درمانی در محله؛
- فراهم کردن عملکردهای مختلط شهری با تغییر عملکرد کاربری‌های ناسازگار به کاربری‌های سازگار و موردنیاز ساکنان.

اولویت سوم: عوامل زیست‌محیطی

کیفیت محیط‌زیست و آلودگی

- تنظیف معابر، جداول، مجاری آب و فاضلاب و نگهداری از آن‌ها، همچنین لایروبی جوی‌ها و جمع‌آوری و دفن منظم زباله در محله؛
- انتقال کاربری‌های آلاینده و ناسازگار (انبار، گاراژ، کارگاه) و مقابله با آلودگی صوتی.

منابع

۱. رضوانی، محمدرضا، علیرضا شکیبا و حسین منصوریان، ۱۳۸۷، ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، مجله رفاه اجتماعی، شماره‌های ۳۰ و ۳۱، صص ۵۹-۷۵.
۲. رفیعیان، مجتبی و جمشید مولودی، ۱۳۹۰، رویکردها و روش‌های سنجش کیفیت محیط مسکونی شهری، چاپ اول، نشر آذرخش، تهران.
۳. فتحعلیان، معصومه، ۱۳۹۰، مطالعه تطبیقی کیفیت زندگی در بافت‌های خودرو و برنامه‌ریزی شده اسلامشهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه هنر، تهران.
۴. فیشر، رافائل، ۱۳۸۱، برنامه‌ریزی برای بهبود وضعیت زندگی از استاندارد زندگی تا کیفیت زندگی، ترجمه محمد تقی‌زاده مطلق، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۱، صص ۱۷-۲۶.
۵. کوکبی، افشین، محمدرضا پورجعفر و علی‌اکبر تقوایی، ۱۳۸۴، برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری؛ تعاریف و شاخص‌ها، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۲، صص ۷۵-۸۷.
۶. محفوظیان، مریم، ۱۳۹۱، راهکارهای ارتقای کیفیت زندگی بر مبنای سنجش رضایتمندی سکونتی در محله دهونک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر، تهران.
۷. مرادی، داریوش، ۱۳۸۵، به‌کارگیری سیستم گزارش‌دهی کیفیت زندگی در برنامه‌ریزی شهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۸. مهندسان مشاور باوند، ۱۳۸۱، طرح ساماندهی، بهسازی و نوسازی مشارکتی محله سیروس تهران، مرحله اول، سازمان عمران و بهسازی، تهران.
۹. نجات، سحرناز و همکاران، ۱۳۸۵، استانداردسازی پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، شماره ۴، صص ۱-۱۲.
10. Baker, E., 2000, **Housing Tenant Relocation-Residential Mobility**, Satisfaction and The Development of a Tenant's Spatial Desion Support System. University of Adelaide, Department of Geographical and Environmental Studies.
11. Bonaiuto, M., Fornara, F., and Bonnes, M. 2003, **Indexes of Perceived Residential Environment Quality and Neighbourhood Attachment in Urban Environments: A Confirmation Study on the**

- City of Rome**, Landscape and Urban Planning, Vol. 65, No. 1, PP. 41-52.
12. Campbell, A., Converse, P. E., and Rodgers, W. L., 1976, **The Quality of American Life: Perceptions, Evaluations, and Satisfactions**, Russell Sage Foundation.
 13. Clark, A., 2008, **Monitoring the Urban Quality of Life in Latin America**, Organization for Economic Co-Operation and Development, September 26.
 14. Epley, D. R., and Menon, M., 2007, **A Method of Assembling Cross-Sectional Indicators Into a Community Quality of Life**, Social Indicators Research, Vol. 88, No. 2, PP. 281-296.
 15. Fahy, F., and Cinnéide, M. Ó., 2008, **Developing and Testing an Operational Framework for Assessing Quality of Life**, Environmental Impact Assessment Review, Vol. 28, No. 6, PP. 366-379.
 16. Lee, Y. J., 2008, **Subjective Quality of Life Measurement in Taipei**, Building and Environment, Vol. 43, No. 7, PP. 1205-1215.
 17. Massam, B. H., 2002, **Quality of Life: Public Planning and Private Living**, Progress in Planning, Vol. 58, No. 3, PP. 141-227.
 18. Myers, D., 1987, **Community-Relevant Measurement of Quality of Life: A Focus on Local Trends**, Urban Affairs Quarterly, Vol. 23, No. 1, PP. 108-125.
 19. Ng, S. H., Kam, P. K., and Pong, R. W., 2005, **People Living in Ageing Buildings: Their Quality of Life and Sense of Belonging**, Journal of Environmental Psychology, Vol. 25, No. 3, PP. 347-360.
 20. Sahin, A. P. D. N. P., Fasli, A. P. D. M., and Vehbi, A. P. D. B. O., 2007, **AN Assessment of Quality of Life in Residential Environments: Case of Selimiye Quarter in Walled City of Nicosia, North Cyprus**, Retrieved March, 23, 2012.
 21. Pacione, M., 2003, **Urban Environmental Quality and Human Wellbeing—A Social Geographical Perspective**, Landscape and Urban Planning, Vol. 65, No. 1, PP. 19-30.
 22. Preuss, I., and Vemuri, A. W., 2004, **Smart Growth and Dynamic Modeling: Implications for Quality of Life in Montgomery County, Maryland**, Ecological Modelling, Vol. 171, No. 4, PP. 415-432.
 23. Smith, D.M., 1994, **Geography and Social Justice** (Oxford)- Bastl Blackwell Press.
 24. Uzell, D., & Moser, G., 2006, **Environment and Quality of Life**, Revue Européenne De Psychologie Appliquée Vol. 56 No. 1, PP. 1-4.
 25. VanKamp, I. et al. 2003, **Urban Environmental Quality and Human Well-Being: Towards a Conceptual Framework and Demarcation of Concepts; a Literature Study**, Landscape and Urban Planning, Vol. 65, No. 1, PP. 5-18.
 26. Viene, D., 2008, **Comparing two Person-Environment Fit Models of Residential Satisfaction: Does the Method of Study Influence Outcomes?** In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy in Psychology, Fielding Graduate University.
 27. Westaway, M. S., 2006, **A Longitudinal Investigation of Satisfaction with Personal and Environmental Quality of Life in an Informal South African Housing Settlement, Doornkop, Soweto**, Habitat International, Vol. 30 No. 1, PP. 175-189.